

Evaluation and critique *The Process of Arabic poetry from the Pre-Islamic Period to the Fall of Baghdad*

Abolhasan Amin moqaddasi *, Mahdyeh Gheysari **

Abstract

From ancient times, various selections and divans of poetry have been collected with the focus on Arabic poetry, which has collected poems with a special style. This literary heritage determines the cultural and civilizational identity of nations and is so important that the building of the current civilization will be possible only by reviving this heritage in the form of collection, re-reading and evaluation. The book "The Process of Arabic poetry" written and edited by Habibullah Abbasi intends to compile a selection of "The Divan of Arabic Poetry" by Adonis and show the evolution of Arabic poetry of that time for Persian readers. The unique feature of this selection is the different evaluation of Arabic poems, so that the only criterion for selecting poems is their artistic and creative points, and other factors such as political or ideological content have not been considered. The article intends to evaluate the form and content of the book with an analytical-critical reading while introducing the book and to express its strengths and weaknesses. The results show that the most important weaknesses of the book in the formal part include the lack of correct arrangement of verses, non-observance of Arabic calligraphy and in some cases the lack of correct equation; And the most important weaknesses of the content are the following: lack of specific issues, lack of comprehensiveness in examining the factors affecting the evolution of Arabic poetry, lack of reference to sources and documents, lack of conclusions, lack of comprehensiveness, incoherence of some Book chapters and lack of proper analytical approach.

Keywords: The Divan of Arabic Poetry; Adonis, Arabic Poetry; Formal and Content Evaluation.

* Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

** PhD in Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

Date received: 2020-10-21, Date of acceptance: 2020-12-17

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و ارزیابی کتاب سیری در شعر عربی از روزگار جاهلی تا سقوط بغداد

ابوالحسن امین مقدسی*

مهدیه قیصری**

چکیده

در میان منابع شعر عربی با جُنگ‌ها و مجموعه‌های متعددی روبه‌رو هستیم که هر کدام با اسلوب خاص خود از قرن‌های اولیه اسلام تا دوران معاصر سعی در گردآوری اشعار داشته‌اند. این گنجینه‌های ادبی تعیین‌کننده هویت فرهنگی و تمدنی ملت‌ها هستند و در اهمیت آن‌ها همین بس که بنای تمدن کنونی جز با احیای این میراث در قالب جمع‌آوری، بازخوانی و ارزیابی ممکن نخواهد بود. کتاب سیری در شعر عربی تألیف و تدوین حبیب‌الله عباسی در صدد است تا منتخبی از دیوان الشعر العربی ادونیس را تدوین کند و تصویری دقیق و جامع از اشعار دوره جاهلی تا سقوط بغداد به دست دهد و سیر تحول آن را برای مخاطبان فارسی‌زبان ترسیم کند. ویژگی منحصر به فرد این منتخب، ارزیابی متفاوت از اشعار عربی است، به گونه‌ای که تنها معیار گزینش اشعار، بُعد ابداعی و هنری آن‌هاست و به دیگر عواملی چون محتوای سیاسی یا ایدئولوژیک توجه نشده است. گفتار پیش‌رو در نظر دارد با خوانشی تحلیلی - انتقادی ضمن معرفی کتاب به ارزیابی شکلی و محتوایی این کتاب پردازد و موارد قوت و ضعف آن را بیان کند. نتایج نشان می‌دهد مهم‌ترین موارد ضعف کتاب در بخش شکلی شامل عدم چینش صحیح ابیات، عدم رعایت رسم‌الخط عربی و در برخی موارد عدم معادل‌سازی صحیح است؛ همچنان که ضعف در مسئله‌مندی کتاب، عدم جامعیت در بررسی عوامل مؤثر در تحول شعر عربی، عدم استناد کافی به منابع و مستندات مربوط در این زمینه،

* استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

** دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، Gheysari.303@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷

نداشتن جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، عدم ارتباط طولی و انسجام برخی از فصل‌های کتاب و نداشتن رویکرد تحلیلی از مهم‌ترین موارد ضعف محتوایی آن به‌شمار می‌رود.
کلیدواژه‌ها: دیوان الشعر العربی، ادونیس، سیر شعر عربی، ارزیابی شکلی و محتوایی.

۱. مقدمه

بررسی و احیای میراث ادبی نه تنها از نظر دست یافتن به هویت هر ملت خاص، بلکه برای آگاهی از روند شکل‌گیری تمدن بشری و چگونگی رسیدن آن به این جایگاه اهمیت دارد که در این میان نمی‌توان از نقش ادبیات عرب در دوران شکوفایی تمدن اسلامی و هم‌زمان با قرون وسطی غافل ماند (الورقی، ۲۰۰۰، ص. ۱۰).

مجموعه‌ها و جنگ‌های شعری بسیاری در حوزه شعر عربی گرد آوری شده است و در این میان راویان و دانشمندان لغت بدان بسیار اهتمام ورزیده‌اند. این امر بدان سبب است که شعر قابلیت آن را دارد که بارها بازخوانی و هر بار از زاویه‌ای مختلف ارزیابی شود. منتخبات شعری را از منظر اسلوب و رویکرد می‌توان در دو دسته‌بندی قرار داد: دسته اول، آثاری هستند که اشعار را بر مبنای زیبایی و کیفیت انتخاب کرده‌اند، و دسته دوم، مجموعه‌هایی هستند که بر اساس موضوعات مختلف به جمع‌آوری اشعار پرداخته‌اند (اسماعیل، بی‌تا، ص. ۶۸). از جمله آثار دسته اول می‌توان به منتخباتی چون «معلقات»، «مفضلیات»، «أصمعیات» و «جمهرة أشعار العرب» اشاره کرد. مجموعه‌های شعری چون «دیوان الحماسة» اَبی تمام و «الحماسة» بحتری نیز در دسته‌بندی دوم قرار می‌گیرند. ویژگی این مجموعه‌های شعری آن است که در انتخاب اشعار چون دیگر جُنک‌های شعری عمل نکرده‌اند، بلکه دسته‌بندی موضوعی‌ای انجام داده و برای فنون شعری مختلف چون حماسه، رثاء، ادب، نسیب، هجاء، مدح و غیره ابیاتی را ذکر کرده‌اند (تقی‌الدین، ۱۹۹۵، ص. ۳۰). به جز دیوان «حماسة» اَبی تمام می‌توان گفت دیگر جُنک‌ها بر مبنای روش‌ها و اسلوب‌های تکراری و تقلیدی به نگارش در آمده‌اند که البته از بُعد تاریخی و مرجعیت اهمیت فراوانی دارند. اما شعر، خوانش جدیدی می‌طلبد و بالتبع نیازمند مجموعه‌های جدیدتری است که از زاویه‌ای نو به آن نگریند. تا هر لحظه جوشش جدیدی از سر بگیرد و نباید فراموش کرد «کم‌رنگ شدن شعر عربی در واقع زوال زبان عربی است یا به عبارت دیگر پایان جوشش خلاق است که در طول ۲۰ قرن با آن زیسته‌ایم (ادونیس، ۲۰۱۰، ص. ۱۳).

کتاب سیری در شعر عربی از روزگار جاهلی تا سقوط بغداد تألیف و تدوین حبیب‌الله عباسی است. وی که تاکنون ترجمه چندین نسخه از آثار ادونیس را در کارنامه خود دارد در این کتاب کوشیده است تا گزیده‌ای از کتاب *دیوان الشعر العربی* اثر ادونیس را برای مخاطبان فارسی‌زبان فراهم آورد و معتقد است آنچه او را به این کار واداشته، تفاوت نگاه ادونیس در گزینش اشعار با دیگر نویسندگان این عرصه است؛ به گونه‌ای که در انتخاب اشعار به شیوه سنتی و معمول عرب که عمدتاً شعرهای مشهور را برمی‌گزیده‌اند رفتار نکرده است، بلکه تنها با تکیه بر بُعد هنری و ابداعی شعر که فراتر از زمان و مکان و ارزش‌های تاریخی و اجتماعی است دست به انتخاب اشعار زده است. علاوه بر نمونه اشعار که بخش عمده مطالب کتاب را به خود اختصاص می‌دهد، نویسنده به اختصار اندیشه‌های ادونیس درباره اصول تجدد و نوآوری و ایستایی و جمود در فکر و فرهنگ عربی و تأثیر آن در زیبایی‌شناسی شعر عربی را بیان می‌کند و بدین ترتیب در صدد است سیر تحول و تجدد شعر عربی و عوامل آن را برای خواننده روشن سازد. بنابراین، کتاب با دو بخش اصلی نظری و نمونه اشعار و به‌منزله مجموعه‌ای منتخب از اشعار عربی در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.

بررسی نقادانه تألیفات در حوزه علوم انسانی ضمن معرفی آرا و اندیشه‌های نویسنده، بر بهبود ساختار شکلی و محتوایی اثر می‌افزاید و زمینه استفاده بهتر و بیشتر خوانندگان را فراهم می‌آورد. علاوه بر این، می‌توان گفت نقادی آثاری که رویکرد جدیدی در برخی مباحث نقد ادبی دارند ضمن معرفی آن به خوانندگان، ذهن آن‌ها را با نوعی تفکر انتقادی و استدلالی و جدیدترین آرا و نظریات نقد ادبی آشنا می‌سازد. از این رو، می‌تواند تأثیر بسزایی در پیشبرد اهداف آموزشی و پژوهشی داشته باشد.

مسلماً شیوه نقد هر کتاب بسیار متأثر از محتوای آن است. بر این اساس جستار پیش‌رو در صدد است با روشی توصیفی - تحلیلی به ارزیابی ساختار ظاهری و محتوایی کتاب سیری در شعر عربی از حبیب‌الله عباسی پردازد و زمینه استفاده بیشتر دانشجویان و خوانندگان را فراهم آورد. بدین منظور مقاله حاضر بر آن است تا به این سؤالات پاسخ دهد:

۱. کیفیت کتاب سیری در شعر عربی به لحاظ رعایت اصول شکلی و ساختار ظاهری اثری علمی چگونه است؟

۲. آیا نویسنده توانسته است رویکرد تحلیلی مناسبی نسبت به سیر تحول شعر عربی و اندیشه‌های ادونیس در این راستا داشته باشد؟

می‌توان گفت کتاب موردنظر در رعایت موازین شکلی و محتوایی یک اثر علمی و در اتخاذ رویکرد تحلیلی نسبت به موضوع بحث و آرای ادونیس ضعف‌های قابل ملاحظه‌ای دارد.

۲. پیشینه تحقیق

کتاب سیری در شعر عربی گزینشی از اشعار دیوان الشعر العربی ادونیس همراه با ذکر مواضع نقدی آن است. این اثر از ادونیس همچون دیگر آثار وی همیشه با واکنش ناقدان و پژوهشگران در عرصه نقد ادبی روبه‌رو بوده است، لذا در ادامه به مهم‌ترین مواردی که دیوان الشعر العربی ادونیس را ارزیابی کرده‌اند، می‌پردازیم:

محمد مهدی الجواهری در مقدمه کتاب خود با عنوان *الجمهرة مختارات من الشعر العربی* (۱۹۸۵) به ارزیابی اجمالی از دیوان پرداخته و معیار ادونیس در گزینش اشعار را مطلوب ارزیابی کرده است. هر چند با تعریف ادونیس از ماهیت شعر چندان موافق نیست و معتقد است این تعریف چیزی جز ابهام و آشفتگی بر جای نمی‌گذارد.

حسین مروءه در کتاب *دراسات نقدیة فی ضوء المنهج الواقعی* (۱۹۸۸)، فصلی (حدوداً ۱۲ صفحه) به دیوان الشعر العربی ادونیس اختصاص داده است. وی در این صفحات معیار ادونیس در گزینش اشعار را ستوده و آن را لازمه احیای سنت و شعر قدیم عرب می‌داند و به تبیین روش او در انتخاب اشعار می‌پردازد.

حاتم الصکر در کتاب *كتابة الذات دراسات فی وقائعية الشعر* (۱۹۹۴) صفحاتی را به تبیین موضع ادونیس و تعریف او از سنت (تراث) اختصاص می‌دهد و رویکرد او را در گزینش اشعار به چالش می‌کشد.

مقاله «منهج الاختیار فی «دیوان الشعر العربی» لأدونیس» از محمدحسن عبدالمحسن و کمال الرفدی با محوریت نقد رویکرد ادونیس در شماره ۷۳ مجله *بحوث جامعة حلب* (۲۰۱۱) به چاپ رسیده است. این مقاله رویکرد ادونیس در اختیار و گزینش اشعار را مورد انتقاد ارزیابی قرار می‌دهد.

مقاله «از دیوان الشعر العربی تا دیوان النثر العربی» از حبیب‌الله عباسی که در شماره ۱۵۹ از مجله *آیینة پژوهش* (۱۳۹۵) منتشر شده است، به‌طور بسیار مختصر به بیان آرای ادونیس و

هدف او از تدوین «دیوان الشعر العربی» می‌پردازد و بیان می‌دارد ادونیس در صدد است تا با این کتاب چالش میان سنت و مدرنیته را برطرف کند.

لذا با توجه به اهمیت این موضوع بر آن شدیم تا کتاب سیری در شعر عربی تدوین حبیب‌الله عباسی را — که منتخبی از دیوان الشعر العربی ادونیس است — ارزیابی کنیم و رویکرد نویسنده در نقد مطالب و تبیین آن‌ها و میزان پای‌بندی او به ساختارهای ظاهری و محتوایی یک اثر علمی را مورد بررسی قرار دهیم. از آنجایی که ممکن است این کتاب به‌عنوان منبع درسی یا پژوهشی معرفی شود، لذا ارزیابی آن ضرورت بیشتری می‌یابد.

۳. معرفی کلی اثر

کتاب سیری در شعر عربی: از روزگار جاهلی تا سقوط بغداد با منتخبی از دیوان الشعر العربی (۴-۱) تألیف و تدوین حبیب‌الله عباسی است. این کتاب را نشر سخن در سال ۱۳۹۴ در تهران به چاپ رسانده است. مطالب کتاب در ۲۷۸ صفحه تنظیم شده است.

نویسنده کتاب با احاطه علمی بر آرای نقدی و اشعار ادونیس و با پیشینه‌ای که در ترجمه آثار وی دارد، کوشیده است ضمن بازنشانی آرای ادونیس در عرصه شعر و زیباشناسی آن، مخاطب را با افکار مهم و اندیشه ادونیس در حوزه شعر و نقد ادبی آگاه سازد. این کتاب شامل یک پیش‌گفتار ۶ صفحه‌ای است که مطالعه آن برای ورود به بحث و آشنایی با رویکرد کتاب الزامی است. مطالب کتاب در دو دفتر تدوین شده است. دفتر نخست با عنوان «سنت و نوآوری در شعر کهن عربی» دارای عنوان‌های فرعی چون «شعر عربی و سنت دینی، جنبش‌های ادبی و نوآوری در شعر: ابونواس و ابوتمام» است که صفحات ۱۹ تا ۷۱ از کتاب یعنی ۵۰ صفحه، و دفتر دوم با عنوان «از پذیرش تا پرسش (ادوار شعر عربی)» عمده مطالب کتاب را به خود اختصاص داده است. این دفتر به سه بخش اصلی تقسیم شده است که عبارت‌اند از: «مختارات الشعر الجاهلی»، «مختارات الشعر الإسلامی» و «مختارات الشعر العباسی» که در هر بخش نمونه اشعاری از مهم‌ترین شاعران آورده شده است. کتاب مذکور با دو فصل به پایان می‌رسد. فصلی با عنوان «مؤخره دروه انحطاط یا کاریکاتورها» که به‌طور اجمالی به رواج صنعت و صنعت‌گری در ادبیات این دوره پرداخته شده و فصل پایانی کتاب با عنوان «عروض شعر عربی» که در آن متداول‌ترین بحرهای وزن‌های شعر عرب همراه با ذکر نمونه‌های شعری آورده شده است. هر بخش از کتاب با پی‌نوشت‌هایی به پایان می‌رسد

که ضمن بیان برخی ارجاعات، توضیحاتی درباره مطالب کتاب آورده می‌شود. این کتاب با فهرستی از منابع مورد استفاده نویسنده در دو صفحه به پایان می‌رسد.

۴. نقد کتاب

۴-۱. ارزیابی ظاهری (شکلی)

هر اثری دارای نظامی است که همه اجزای و اعضای آن در پیوند با یکدیگر و در کاربردی هماهنگ کلیت اثر را می‌سازند. این کارکرد هدف مشخصی دارد که بدون تعامل و هماهنگی اجرا امکان‌پذیر نیست (رضایی و محمودی، ۱۳۸۹، ص. ۴۷). کتاب سیری در شعر عربی به لحاظ شکلی با کیفیت مطلوبی به چاپ رسیده است. سطر بندی و پاراگراف بندی‌ها به خوبی رعایت شده است. متن کتاب روان و سلیس است و خواننده به خوبی می‌تواند با متن ارتباط برقرار سازد و درک بهتری از مطالب داشته باشد و این از ویژگی‌های کتابی است که مخاطبان آن را دانشجویان تشکیل می‌دهند. «رسایی متن دانشگاهی به معنای آن است که محتوای کتاب در عین مفهوم بودن با انشایی پاکیزه و فراخور مباحث علمی و آراسته به اصطلاحات و تعبیرهای خاص زمینه مربوط تهیه و تدوین شود» (کاردان، ۱۳۸۲، ص. ۱۹). از دیگر نکته‌های در خور توجه حجم نه‌چندان زیاد کتاب است. با توجه به اینکه میدان مطالعاتی نویسنده گستره اشعار عربی از جاهلی تا سقوط بغداد و بررسی عوامل مؤثر در تحول شعر عربی در این بازه زمانی است، اما نویسنده توانسته است عمده مطالب مدنظر خود را در ۲۷۶ صفحه تنظیم کند.

۴-۱-۱. حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی

حروف‌نگاری سهم مهمی در جذب مخاطب به خواندن کتاب دارد و از خستگی او در حین مطالعه نیز جلوگیری می‌کند. سبک حروف متن در کتاب حاضر مشخص نیست، اما مناسب است و اندازه آن چشم را نمی‌آزارد. نویسنده نقل قول مستقیمی در کتاب نیاورده است تا استاندارد لازم با حروف نقل قول بررسی شود. حروف پانوشت به‌طور واضح از حروف متن کوچک‌تر است. انتخاب حروف عنوان هم نیز با حروف سیاه و بزرگ‌تر انتخاب شده است. در کتاب حاضر عنوان‌های اصلی در وسط چیده شده و عنوان‌های فرعی راست‌چین شده‌اند که شیوه متداولی برای عنوان‌های فرعی است.

سرفصل‌ها عامل مناسبی برای تزیین صفحه هستند و نوع قلم و اندازه و محل قرارگیری آن‌ها اهمیت بسیاری دارد. محل قرارگیری سرفصل‌ها طرف برش کتاب، یعنی مخالف عطف است (مهاجر افشار، ۱۳۹۵، ص. ۲۴). حروف سرفصل معمولاً به صورت محسوس کوچک‌تر از حروف متن انتخاب می‌شوند و در صفحه‌ای که فصل تازه آغاز می‌شود، حذف می‌گردد (همان، ص. ۲۴). در کتاب حاضر تنظیم سرفصل‌ها بر اساس نام کتاب و نام فصل در صفحه زوج و فرد به درستی رعایت شده است، اما حروف سرفصل دقیقاً در رنگ و اندازه حروف متن است و هیچ تمایزی با آن ندارد. گفتنی است در کتاب حاضر، محل استقرار تیرها، تیرهای فرعی و چگونگی شروع مطلب در آغاز فصل‌ها همگون و یکدست هستند.

۲-۱-۴. صفحه‌آرایی

حاشیه‌های کتاب حاضر و فاصله‌های آن نیز به درستی رعایت شده و فاصله سطح حاصل از قرارگیری سطرها در کنار هم نیز کم‌ترین فاصله را از عطف نسبت به بالا یا پایین دارد و از جهت حسی هم نمای بصری مناسبی به وجود می‌آورد، زیرا بین این دو نیمه‌نما حداقل فاصله ضروری وجود دارد.

استانداردهای لازم درباره شماره صفحات عنوان، حقوق یا شناسنامه، اهدا یا تقدیم نامه به درستی رعایت شده است. نویسنده در صفحه پنجم کتاب را به یکی از مترجمان اشعار ادوینس تقدیم می‌کند که این امر تناسب بیشتری میان تقدیم و محتوای کتاب برقرار می‌سازد. در صفحه هفتم کتاب لازم است که پیش‌گفتار ناشر یا مترجم و مؤلف آورده شود. این در حالی است که کتاب حاضر فاقد پیش‌گفتار ناشر هست و پیش‌گفتار مؤلف هم بعد از فهرست مطالب و در صفحه یازدهم آورده شده که لازم است این مورد از سوی انتشارات اصلاح شود.

بر اساس شیوه‌نامه‌های نگارشی و ویراستاری در صفحات قبل از متن، شماره صفحه درج نمی‌شود یا شماره صفحه‌ای چاپ می‌شود که با شماره صفحات متن متفاوت باشد؛ مثلاً شماره صفحه حروفی یا شماره‌ای که با اعداد رومی نوشته می‌شوند (همان، ص. ۱۶). در حالی که شماره صفحات کتاب حاضر از صفحه فهرست مطالب در بالای صفحه درج شده و شماره صفحات متن هم در ادامه همین شماره‌ها آورده شده که لازم است اصلاح شود.

گفتنی است پیوست‌ها در کتاب حاضر در پایان هر فصل به صورت پانوشت آمده است که شاید دسترسی راحت‌تری نسبت به منابع و توضیحات کتاب برای خواننده فراهم سازد. علاوه بر آن، صفحه عنوان لاتین هم در پایان کتاب وجود ندارد که در کتاب‌های علمی بهتر است آورده شود.

قطع کتاب را با توجه به عملکرد و ماهیت کتاب و مخاطبان اصلی کتاب و سایر جنبه‌های کاربردی تعیین می‌کنند. قطع کتاب سیری در شعر عربی وزیری یا دانشگاهی است. این قطع کتاب بسیار برای حمل و مطالعه مناسب است.

پانوشت‌های مربوط به اشعار یا توضیح زندگی‌نامه شاعران با قلمی به اندازه‌ای کوچک‌تر از متن در پاورقی آورده شده است. طبق استانداردهای نگارشی در صورتی که در پایین صفحه برای تمام پانوشت‌ها جا نباشد ادامه مطلب در پاورقی صفحه بعد آورده می‌شود. در این صورت باید از نشانه پیکان ظریف و کوچکی در پایین صفحه در منتهی‌الیه سمت چپ و نیز در شروع پانوشت صفحه بعد در بالای منتهی‌الیه سمت راست استفاده کرد (مهاجر افشار، ۱۳۹۵، ص. ۴۱). این در حالی است که کتاب حاضر در برخی پانوشت‌ها مثلاً پانوشت‌های صفحه‌های ۱۵۶ و ۱۵۷ این موضوع را رعایت نکرده است. این امر خواننده را در دنبال کردن مطلب با مشکل مواجه می‌سازد و ممکن است در نیابد که پانوشت صفحه بعد ادامه پانوشت قبل است.

۴-۱-۳. طرح جلد

جلد کتاب شومیز است. طراح کتاب با توجه به محتوای کتاب که بررسی اشعار عربی است تلاش کرده تا فونت و قلم مناسبی برای عنوان کتاب انتخاب کند. رنگ فونت سفید است که بر روی جلد قهوه‌ای رنگ خواندن عنوان را برای خواننده راحت‌تر می‌کند. طراح گرافیک کتاب با توجه به موضوع کتاب که شعر و ادبیات است از طرح گل‌بته‌های اسلیمی در طراحی جلد استفاده کرده و بدین وسیله از ارتباط هنر و ادب بهره جسته و تناسبی میان طرح جلد با محتوای کتاب برقرار ساخته است. پشت جلد، معرفی مختصری از کتاب و افکار ادونیس آورده شده است که بسیار اهمیت دارد و این امکان را به خواننده می‌دهد تا در کوتاه‌ترین زمان بتواند با محتوای کتاب و ویژگی منحصر به فرد آن آشنا شود.

۴-۱-۴. رعایت قواعد ویرایشی - نگارشی

مسئلاً رعایت اصول نگارشی و ویرایشی در نوشتار کمک بسیاری به درک مخاطب می‌کند و فهم مطلب را برای او آسان‌تر می‌سازد. به‌طور کلی می‌توان گفت جز در مواردی نادر علائم سجاوندی مثل ویرگول، نقطه‌ویرگول و ... رسم‌النخط عربی به‌درستی رعایت شده است. غلط‌های چاپی و املائی در کتاب به‌ندرت به چشم می‌خورد. در اینجا به یک مورد اشاره می‌شود: «دل‌ها به‌دلیل نوآوری‌اش به آن انس می‌گیرد اما در همان زمان به قید تقلید در نمی‌آید و اگر شاعری بخواهد که همانند آن را بیان کند به‌دلیل قرابتش این کار بر او دشوار و ناممکن می‌نماید» (عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۸۳). با توجه به سیاق متن به‌نظر می‌رسد منظور نویسنده در اینجا دشواری و نامأنوس بودن است که مسلماً معادل آن «غرابت» است که لازم است اصلاح شود. از غلط‌های چاپی و املائی گاهی در برخی اشعار هم دیده می‌شود؛ برای نمونه: «و لاخظرت منك الهمون بیال!» و در مصرع‌ی دیگر از همین شعر: «تعالی أقاسمک الهمون تعالی» (همان، ص. ۱۵۶). واژه «الهمون» در این دو مصرع به اشتباه به جای واژه «الهموم» (به‌معنای غم‌ها) آورده شده است. در برخی موارد، نیم‌فاصله میان برخی کلمات رعایت نشده است؛ برای مثال کلمه «همعان» (عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۶۲). عدم رعایت فاصله‌گذاری در برخی اشعار هم دیده می‌شود برای نمونه: «أبیت الهلک ضیفا لأهلها و أهلی قریب موسعون ذوفضل» رعایت فاصله‌گذاری بین کلمات در چنین مواردی کمک می‌کند تا مخاطب آن را یک کلمه نپندارد. البته با توجه به اینکه نمونه اشعار و شاهد مثال‌هایی که نویسنده ذکر می‌کند عربی است، لازم است رسم‌النخط عربی در تمامی این ابیات رعایت شود که البته با بررسی کتاب در برخی موارد اشکالاتی از این قبیل دیده می‌شود. می‌توان گفت رسم‌النخط حرف «کاف» و «یاء» اصلاً رعایت نشده است؛ برای مثال: «فألقيت الأمانة لم تخنها / كذلك كان نوح لا يخون» (همان، ص. ۲۳). در این مورد لازم است کاف به صورت «كذلك» نوشته شود. نمونه‌ای دیگر: «مضى لی زمان لو أخیر بینه / و بین حیاتی خالدا آخر الدهر» در چنین مواردی هم لازم است که کلمات را با رعایت رسم‌النخط به‌صورت «لی» و «حیاتی» بنویسد. در برخی موارد نویسنده در رسم‌النخط همزه هم باید توجه بیشتری داشته دارد؛ برای مثال: «یمین أو أو نفاراً أو جلاء» و ان الحق مقطعه ثلاث» (همان، ص. ۲۲). «الا انعم صباحا ایها الطلل البالی» (همان،

ص. ۴۱). همزه در تمامی موارد مشخص شده قطع است که در نگارش آن باید لحاظ شود. نمونه‌ای دیگر «و کساء ابيعه برغيف / قد رقعنا خروقه بأديم». در این دو مورد نیز لازم است رسم‌الخط همزه در «إن» و «ابيهه» رعایت شود. گفتنی است همزه در صیغه متکلم وحده مثل «أبيع» همزه قطع است.

اعراب‌گذاری ابیات نقش بسزایی در تحلیل واژگان و فهم معنای آن‌ها و دستیابی به ترجمه مطلوب دارد. از جمله نقاط قوت کتاب این است که نویسنده تلاش کرده است تا ابیات را با اعراب‌گذاری بیاورد؛ برای مثال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ مَمْسَانَا وَمَصْبِحُنَا بِالْخَيْرِ صَبَّحْنَا رَبِّي وَمَسَانَا» (همان، ص. ۲۱). اما ضعفی که در این میان می‌توان مشاهده کرد آن است که این شیوه در تمامی ابیات کتاب رعایت نشده است و مواردی مشاهده می‌شود که فاقد هر گونه اعراب هستند؛ برای مثال: «للمنون دائرات يدرن صرفها/ هن ينتقينا واحدا فواحدا» (همان، ص. ۷۷). مسلماً چنین ابیاتی بدون اعراب‌گذاری نه تنها به راحتی خواننده نمی‌شوند، بلکه شناخت واژگان و ترجمه اشعار را نیز برای خواننده دشوار می‌سازند. علاوه بر چنین مواردی گاهی اشتباهاتی در برخی اعراب‌گذاری‌ها دیده می‌شود؛ برای مثال فعل «أبيت» در «و لقد أبيتِ على الطوى و أظله / حتى أنالَ به كريم المأكَل» (همان، ص. ۲۱). در ترجمه این بیت آمده است: «شب و روز گرسنگی را تحمل می‌کنم تا به خوردنی ارزنده‌ای دست یابم» (همان، ص. ۳۴). با توجه به ترجمه، آوردن فعل «أبيت» در صیغه خطاب اشتباه است و لازم است در صیغه متکلم وحده ذکر شود: «أبيت».

در بررسی نکته‌های ویرایشی کتاب ضعفی که بیشتر از موارد گفته شده قابل مشاهده است چیش اشتباه ابیات و اشعار است؛ بدین صورت که مصراع دوم اول آورده شده و این مشکل حدوداً در نود درصد ابیات و اشعار کتاب ملاحظه می‌شود. برای نمونه:

منكٍ أو يقربَ النوالُ البعيدُ	أحرامٌ أن ينجزَ الموعودُ
بين جفنيه قلبكِ الجلمودُ	غره و عذكِ السرابُ وعادى
دِ قربٍ و فى الوصالِ صدودُ	خلطت هجرة بوصلِ فى الإبعَا
تُ إليها عينا عليها تجود	وانثنت وجهة الفراق فأرسل
تتمادى و دونها التسهيدُ	نظرة خلفها الدموعُ عجالى

(همان، ص. ۱۹۷)

لازم است این مشکل که مسلماً به مشکلات انتشار و حروف چینی باز می‌گردد، برطرف شود.

۴-۱-۵. رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی در درون متن و کتاب‌نامه

از شاخصه‌های قابل توجه در هر نوشتار علمی ارجاعات مناسب و بهره‌گیری از منابع معتبر است. «یکی از مهم‌ترین عناصر هر نگارش علمی ارجاعاتی است که در آن به آثار دیگران صورت می‌گیرد. این ارجاعات نشان می‌دهد که نویسنده اثر خود را بر چه آثار دیگری استوار کرده است» (اسلامی، ۱۳۹۲، ص. ۵). بر این اساس نحوه ارجاع‌دهی می‌تواند میزان و معیاری برای سنجش قوت و ضعف یک اثر علمی به‌شمار رود.

کتاب سیری در شعر عربی عمدتاً از روش پی‌نوشت در ارجاعات خود بهره گرفته است؛ بدین گونه که در پایان هر فصل لیستی از ارجاعات و توضیحات و ترجمه اشعار ذکر می‌شود. توجه به این نکته ضروری است از آنجا که مطالب کتاب برداشت و برگرفته از آثار ادونیس به‌خصوص اثر معروف وی *الثابت و المتحول* است نویسنده نیز همان روش ادونیس را در ارجاع و پی‌نوشت مطالب پی می‌گیرد. شیوه کار بدین شکل است که نویسنده در ابتدای هر فصل، یک ارجاع در پاورقی ذکر می‌کند؛ برای مثال نویسنده در ابتدای فصل سوم از دفتر نخست می‌آورد: «ر.ک: سنت و تجدد، کتاب دوم، بخش دوم، پایه‌گذاری اصل ابداع یا نوآوری، صص. ۴۱۵-۴۳۵» (عباسی، ۱۳۹۲، ص. ۷۱). شیوه ارجاع‌دهی نویسنده در دفتر دوم تغییر می‌کند؛ بدین صورت که خواننده شیوه ارجاع سابق را مشاهده نمی‌کند. نه توضیحی درباره منبع مطالب به صورت پاورقی در ابتدای فصل‌ها ذکر می‌شود و نه هیچ پی‌نوشتی در پایان هر فصل می‌آید. تنها یک ارجاع به کتاب *مقدمة للشعر العربی* در پاورقی ذکر می‌شود، بدین صورت: «ر.ک مقدمة للشعر العربی، صص. ۳۷-۶۷ و ترجمه آن، صص. ۳۳-۵۳» (همان، ص. ۱۶۷). و برای خواننده مشخص نیست این ارجاع تمام مطالب دفتر دوم را شامل می‌شود یا برخی از آن را پوشش می‌دهد، در صورتی که مطالب کتاب دانشگاهی باید مستند باشد و نویسنده خواه در متن یا در حواشی و یا پایان هر فصل دقیقاً منابع و مأخذی را که استفاده کرده است بیان کند (کاردان، ۱۳۸۲، ص. ۱۸). بر این اساس لازم است نویسنده در صورت نیاز مطالب کتاب را به منبع مربوطه و معتبر ارجاع دهد؛ برای مثال برای این جمله: «همواره دستخوش این احساس بود که - به تعبیر ابو نواس - در «روزگار بوزینگان» به سر می‌برد»

(عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۸). مسلماً باید منبع این مطلب ذکر شود. در جایی دیگر نویسنده برای تبیین بیشتر مطلب، شعری از ابوفراس در پاورقی می‌آورد (همان، ص. ۱۵۶) که ذکر ارجاع آن ضروری است. علاوه بر این، توضیحاتی که نویسنده در پاورقی اشعار جهت معرفی شاعران می‌آورد باید به منابع موثقی ارجاع داده شوند. ترتیب منابع پایانی کتاب نیز لازم است بازنگری و اصلاح شود. در این لیست که منابع بر اساس نام نویسندگان و ترتیب الفبایی مرتب شده‌اند به اشتباه نام محمدرضا شفیعی کدکنی بعد از عمر فروخ ذکر شده است (همان، ص. ۲۷۸). در هر صورت نویسنده موظف است شیوه واحدی را در ارجاع مطالب اختیار کند.

۲-۴. ارزیابی محتوا

۱-۲-۴. مسئله‌مندی

هر حوزه مطالعاتی لازم است هدفمند باشد؛ به این معنا که هر کتاب دانشگاهی باید هدفی صریح و روشن را دنبال کند (منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۴). در اینجا لازم است میان مسئله و مشکل تفاوت قائل شد. مشکل مانعی سطحی، کلی و مبهم و مرکب است که قابل رؤیت توسط عموم است، اما مسئله مانعی ژرف و مشخص است که توسط متخصصان مرتبط با آن مسئله قابل رصد کردن است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۶). از ویژگی‌های کلی هر اثر مسئله‌محور می‌توان به مواردی چون «دارای انتظام و ترتیب، عدم پرداختن به حاشیه‌ها و پراکنده‌کاری، افزایش اثربخشی» اشاره کرد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۱).

نویسنده مسئله اصلی کتاب را به صورت صریح و واضح ذکر نمی‌کند، اما با مطالعه پیش‌گفتار کتاب می‌توان دریافت غرض مؤلف که مسئله اصلی کتاب را شکل می‌دهد ارائه تصویر جامع و دقیقی از شعر عربی و سیر تحول آن برای مخاطبان فارسی‌زبان است. وی برای تحقق بخشیدن به غرض کتاب، مطالب دفتر نخست را بر پایه پاسخ به این سؤالات جمع‌آوری می‌کند:

سنت دینی با شعر که دیوان عرب بوده چه سلوکی داشته است و مهم‌ترین جنبش‌های شعری عرب در دو دوره پذیرش و پرسش به‌ویژه در دوره زایای فرهنگ اسلامی تجربه کرده‌اند کدام‌اند و دیگر اینکه تجربه نوگرایی و نوآوری شعر عربی در دوره نوزایی اسلامی نیز کدام است (عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴).

مؤلف در دفتر دوم ضمن آوردن منتخبات شعری در دو بخش پذیرش و پرسش در صدد پاسخ به این سؤال بر آمده است که چرا این دو دوره را پذیرش و پرسش نامیده‌اند. مسلماً اصل این سؤالات و پرسش‌ها متعلق به ادونیس است. وی متناسب با بحث مدرنیسم و مباحث مربوط به آن و سؤالاتی دربارهٔ تعریف شعر و ماهیت آن به نقد ادبیات قدیم می‌پردازد و آن را از این منظر بررسی می‌کند که البته این پرسش قابل ملاحظه‌ای است و باب رویکرد جدیدی در نقد ادبیات قدیم می‌گشاید و نوعی نگاه نقادانه و جدید به بحث شعر و اصول و زیباشناسی آن در پیش می‌گیرد که چالش میان سنت و نوگرایی را پاسخ‌گو خواهد بود. همین امر یکی از ویژگی‌های بارز پژوهش‌های مسئله‌محور را تشکیل می‌دهد؛ یعنی پر کردن خلأ خاصی در یک حوزه مطالعاتی (رضی، ۱۳۹۱، ص. ۱۵). اما نکته قابل توجه در این میان آنجاست که ما در کتاب منظور با مسئله جدیدی روبه‌رو نیستیم و این‌ها مسائلی هستند که ادونیس در مقدمهٔ چاپ اول کتاب *دیوان الشعر العربی* یعنی در سال ۱۹۶۴ آن را مطرح کرده و به مناقشهٔ این موضوع پرداخته است. البته ناگفته نماند شعر به‌طور عام و شعر عربی به‌طور خاص قابلیت آن را دارد که بارها و بارها و از زاویه‌های مختلف مورد بازخوانی قرار گیرد؛ لذا ضروری است مؤلف مسئلهٔ تازه‌ای به کتاب اضافه کند یا از زاویهٔ جدیدتری اصول زیباشناسی شعر قدیم عرب را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. همچنانکه می‌توانست آرای ادونیس را در این میان به چالش بکشد. نمونه اشعار هم بدون آنکه مورد شرح یا تحلیلی زیباشناسی قرار بگیرند آورده شده‌اند. در هر صورت مخاطب در این کتاب نه در بخش نظری و نه در تحلیل اشعار با مسئلهٔ جدیدی روبه‌رو نخواهد شد.

۲-۲-۴. تناسب عنوان کتاب با محتوا

عنوان کتاب باید مشخص، محدود و به گونه‌ای باشد که محتوای کتاب و رویکرد مؤلف را نشان دهد نه اینکه طوری طراحی شود که امکان برداشت‌های مختلف از آن را به مخاطب بدهد (مشکین‌فام، ۱۳۹۱، ص. ۲۱). انتخاب برخی از عنوان‌های کلی مشخص نمی‌سازد که نویسنده کدام رویکرد یا شاخه از آن موضوع را مد نظر دارد. باید توجه داشت تعیین حوزه، محدودیت زمانی و مکانی در محدود ساختن موضوع بسیار مؤثر است (میرزائی، ۱۳۹۰، ص. ۶۱). از این رو، می‌توان گفت انتخاب عنوان برای آثار علمی از دشوارترین بخش‌های کار به‌شمار می‌رود که لازم است مؤلفان کتب بسیار به آن توجه داشته باشند.

مؤلف هدف از نگارش کتاب را در پیش‌گفتار چنین می‌آورد: «مخاطب فارسی‌زبان تصویری جامع از شعر عربی و سیر تحول آن به دست آورد» (عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱). به نظر می‌رسد این موضوع که بنا بر اذعان مؤلف، هدف اصلی کتاب است از عنوان کتاب سیری در شعر عربی حاصل نمی‌شود، زیرا بسیار کلی بوده و رویکرد مؤلف را در بررسی اشعار عربی نشان نمی‌دهد؛ به عبارت دیگر مشخص نمی‌کند این کتاب به تحلیل زیباشناختی اشعار پرداخته یا مباحث مربوط به تاریخ ادبیات یا نقد ادبی را بیان کرده است. در هر صورت این عنوان بسیاری از حوزه‌های مرتبط با شعر عربی را متصور می‌شود.

نکته دیگری که در انتخاب عنوان باید به آن توجه داشت تناسب و همخوانی آن با محتوای کتاب است. در این راستا بارزترین مورد ضعف کتاب غلبه بعد ترجمه بر تحقیق است. نویسنده علاوه بر بخش نمونه اشعار که برگرفته از دیوان الشعر العربی ادونیس است در بخش نظری هم تنها به ترجمه بخش‌هایی از کتاب التاب و المتحول بسنده می‌کند، به گونه‌ای که لازم است عنوان کتاب به ترجمه و تلخیص تغییر یابد؛ این در حالی است که انتخاب عنوان «سیری در شعر عربی» خبر از محتوایی تحلیلی می‌دهد که در کتاب مورد بحث، نه از بعد کمی و نه از منظر کیفی چندان به آن پرداخته نشده است و شاید همان عنوان «گزیده‌ای از دیوان الشعر العربی» به‌تنهایی مناسب‌تر باشد. در راستای تناسب عنوان با محتوای کتاب ایراد دیگری متوجه کتاب منظور خواهد بود؛ بدین صورت که در عنوان روی جلد آمده است «منتخبی از دیوان الشعر العربی (۱-۴)» در حالی که این کتاب از مجلد چهارم «دیوان الشعر العربی» که به «الشعر الحدیث» اختصاص یافته بهره‌ای نبرده است. لذا ضروری است مؤلف در ثبت شمارگان مجلدها دقت بیشتری داشته دارد و آن را به «منتخبی از دیوان الشعر العربی (۱-۳)» تغییر دهد.

۳-۲-۴. فصل‌بندی و انسجام درونی

در نگارش هر متن علمی انسجام و یک‌دستی اهمیت بسیاری دارد. منظور از انسجام پیوند منطقی میان اجزای خرد و کلان متن است، به نحوی که خواننده بتواند سیر طبیعی و پیوسته کلام نویسنده را در آن ببیند و موضوع را دنبال کند (منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۱۲). یکی از مواردی که در نظم بخشیدن منطقی به کتاب بسیار اهمیت دارد چینش آن‌ها در راستای اهداف کتاب و در تناسب با آن‌هاست. از مهم‌ترین معیارهای دست‌یابی به بهترین سازماندهی محتوا

می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. توالی، ۲. استمرار، ۳. تعادل، ۴. وسعت، ۵. وحدت. توالی و استمرار مربوط به شیوه‌های سازمان‌دهی عمودی محتوا و وسعت مربوط به سازمان‌دهی افقی است (ملکی، ۱۳۷۶، ص. ۱۸).

هدف نویسنده تبیین سیر تحول شاخصه‌های زیباشناسی در نقد ادبی عرب و شعر عربی است. در این راستا نویسنده مطالب کتاب را به دو بخش تئوری و بخش نمونه اشعار تنظیم می‌کند. در بخش نخست مباحث تحول شعر عربی به صورت نظری و تئوری بیان شده است و در بخش دوم نمونه اشعار شاعران از جاهلی تا دوران سقوط به منزله مصداق‌هایی از این تحول گرد آمده است. به نظر می‌رسد عنوان‌های فرعی بخش اول به خوبی انتخاب شده است. در بخش اول یا همان دفتر نخست مؤلف با انتخاب عنوانی چون «سنت و نوآوری در شعر کهن عربی» تلاش می‌کند تا سیر تحول شعر عربی را از ثبوت و ایستایی تا نوآوری و تجدد نشان دهد. به این منظور بخش اول را به سه فصل با عنوان‌هایی چون «شعر عربی و سنت دینی»، «جنبش‌های ادبی» و «نوآوری در شعر: ابونواس و ابوتمام» تقسیم می‌کند. در فصل اول مباحث (دینی، اجتماعی، و فرهنگی) مربوط به تحول شعر عربی و اصول نقد و ارزیابی آن را در چارچوب نظری و تئوری بیان می‌کند. در فصل دوم با عنوان «جنبش‌های ادبی» به بررسی بارقه‌های نوآوری و ریشه‌های جنبش‌های ادبی در دوره اموی می‌پردازد. دفتر نخست را با مباحث مربوط به نوآوری در شعر عربی دوران عباسی و با عنوان «نوآوری در شعر: ابونواس و ابوتمام» به پایان می‌رسد. از موارد ضعف این دو فصل آن است که جمع‌بندی ندارد با توجه به اینکه در این دو فصل وجوه مختلف تجدد زبانی و محتوایی در شعر شاعرانی چون امرئ القیس، حطیئة، عمر بن ابی ربیعة و جمیل بثیئة و ابونواس و ابوتمام و... آورده می‌شود، ضرورت دارد جمع‌بندی‌ای در پایان هر فصل ذکر شود تا مخاطب با مهم‌ترین جلوه‌های تجدد در این دوره آشنا شود.

بخش دوم کتاب با عنوان «از پذیرش تا پرسش» شروع می‌شود که خود مشتمل بر دو بخش پذیرش و پرسش و همراه با نمونه‌های شعری از شاعران برجسته دوره‌های جاهلی، اموی و اسلامی است. در بدو امر، می‌توان گفت انتخاب عنوان‌هایی چون «پذیرش» و «پرسش» به خوبی می‌تواند معیار نوگرایی و ابداع و خلق را در شعر آن روزگار نشان دهد. نویسنده با انتخاب یک کلمه مثل پذیرش به مخاطب می‌رساند که پایه و اساس اسارت در قالب‌های قدیم، پذیرفتن و تسلیم است و راز خلق و ابداع و راه بردن به جهان‌های نامعلوم

و کشف آن‌ها، جسارت بر شکستن و زیر پا گذاشتن هنجارهاست. پرسش در واقع رفتن از مجهولی به مجهول دیگر است. بنابراین، نویسنده با انتخاب این کلمات در فصل‌بندی کتاب توانسته است تا حدی غرض مطلب را به خواننده برساند و او را در دریافت سیر تحول شعر یاری رساند. شاید ضعیفی که در انسجام مطالب این بخش به چشم می‌خورد این است که نویسنده در ابتدای فصل «پذیرش» بیان می‌کند که این دوره، عصر جاهلی و اسلامی را در برمی‌گیرد و شاعران در عصر جاهلی مقهور طبیعت و در عصر اسلامی تسلیم دین جدید بودند (عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۹۷). اما در این فصل تنها به تحلیل شعر جاهلی می‌پردازد و اینکه شرایط طبیعی و زیستی چگونه او را به تسلیم و پذیرش سوق می‌دهد و از تحلیل شعر دوره اسلامی و نحوه پذیرش و تسلیم شاعران سخنی به میان نمی‌آورد. با توجه به این نکته می‌توان گفت این فصل نتوانسته است جامعیت لازم را در ارائه مطالب در خصوص شعر جاهلی و اسلامی ارائه دهد. از طرف دیگر، مطالب این فصل از صفحه ۱۰۰ تا ۱۱۴ بدون هیچ عنوان فرعی یا شماره‌گذاری آمده است و این امر خستگی مخاطب را در اثنای مطالعه این صفحات در پی دارد و سبب می‌شود گاهی رشته مطالب و پیوستگی آن‌ها از دست او خارج شود. دوره پذیرش با مختارات شعر اسلامی به پایان می‌رسد. نویسنده با افزودن بیوگرافی از نویسندگان و بیان وزن عروضی شعر در صدد است اطلاعات کامل‌تری در اختیار خواننده قرار دهد. بیوگرافی شاعران در پاورقی به زبان عربی ذکر شده است؛ برای نمونه:

عمرو بن مالک الازدی من قحطان شاعر جاهلی یمانی من فحول الطبقة الثانية و كان من فتاک العرب و عدائهم و هو أحد الخلاء الذين تبرأت منهم عشائهم قتله بنو سلمان و قیست قفزاته لیلته مقتله فكان الواحدة منها قریبا من عشرين خطوة و فی الأمثال (أعدی من الشنفری) و هو صاحب لامیة العرب شرحها الزمخشری فی أعجب العجب المطبوع مع شرح آخر منسوب إلى المبرد و یظن أنه لأحد تلامیذ ثعلب. و للمستشرق الانكليزی ردهوس المتوفی سنة ۱۸۹۲م رسالة بالانكليزية ترجم فيها قصيدة الشنفری و علق علیها شرحا وجيزا (همان، ص. ۱۱۵).

با توجه به اینکه متن کتاب به زبان فارسی است و بسیاری از خوانندگان این کتاب را نیز دانشجویان ادبیات فارسی تشکیل می‌دهند به نظر می‌رسد بهتر بود نویسنده این توضیحات را نیز به زبان فارسی ذکر می‌کرد. علاوه بر این، ذکر ارجاع منبع نیز در آخر توضیحات

ضروری است. با توجه به اینکه صفحات بسیاری از کتاب به ذکر اشعار عربی اختصاص یافته، شرح واژگان دشوار این اشعار در پاورقی ضروری است. معمولاً کتاب‌هایی که متون شعر را دربر می‌گیرند این توضیحات را نیز دارند.

مطالب دوره پرسش، با کلیتی درباره شعر دوره عباسی شروع می‌شود و پس از آن، بدون هیچ مقدمه‌ای دو دسته‌بندی از شعر مطرح می‌شود: شعر سنت و شعر حکومت (همان، ص. ۱۴۷). در این میان خواننده با هیچ معیاری از جانب نویسنده در دسته‌بندی شعر مواجه نمی‌شود. لازم است قبل از وارد شدن به این دسته‌بندی، معیار و میزانی برای آن ذکر شود و بدین وسیله ذهن خواننده نیز برای درک این تقسیم‌بندی آماده‌تر شود. در این بخش نویسنده به بیان وجوه تجدد و نوآوری در شعر شاعران برجسته عصر عباسی چون ابوتمام، ابونواس، بشار بن برد، متنی، ابوالعتاهیه و ابوالعلاء معری می‌پردازد و بیان می‌دارد که چگونه هر کدام شعر را از صورت‌های ازپیش‌ساخته رهانیدند و بدین واسطه شعرشان را جاودانه ساختند. این فصل نیز بدون هیچ جمع‌بندی به پایان می‌رسد و این می‌تواند ضعفی برای این فصل تلقی شود. آوردن جمع‌بندی در پایان فصل می‌تواند ذهن خواننده را با مهم‌ترین نکته‌های آن فصل آشنا کند و او را در به‌خاطر سپردن مطالب یاری سازد.

به‌نظر می‌رسد دو فصل آخر کتاب به نام‌های «مؤخره: دوره انحطاط یا کاریکاتورها» و «عروض شعر عربی» در انسجام با رویکرد مؤلف در بررسی مطالب و هم‌راستا با هدف و غرض کتاب آورده نشده‌اند. فصل «مؤخره» حدوداً ۵ صفحه دارد که در این صفحات به شعر دوره انحطاط می‌پردازد. ناگفته نماند این فصل به لحاظ محتوای مطالب می‌تواند در راستای هدف کتاب قرار گیرد، اما در چینش صحیحی نسبت به سایر فصل‌ها قرار نگرفته است؛ به گونه‌ای که نه جایگاه دوره انحطاط در کتاب مشخص است و نه رویکرد مؤلف در بررسی این دوره. مؤلف کتاب نمونه‌ها و گزیده‌های شعری را ذیل دو عنوان اصلی پذیرش و پرسش مطرح می‌کند و نشان می‌دهد هر شاعری با توجه به ویژگی‌های شعری‌اش مربوط به عصر پذیرش است یا مرتبط با دوره‌ای که پرسش و تساؤل بر شعر سایه افکنده است. این در حالی است که دوره انحطاط را در ارتباط با این تقسیم‌بندی که اسلوب حاکم بر بررسی منتخبات شعری است در نظر نمی‌گیرد، بلکه این فصل بدون هماهنگی و انسجام با رویکرد مؤلف در بدنه اصلی کتاب و با عنوان «مؤخره» تنها چند صفحه از صفحات پایانی کتاب آورده می‌شود. از طرف دیگر اسلوب مؤلف در نگارش کتاب بدین صورت است که ابتدا عصر موردنظر را

بررسی می‌کند و سپس گزیده‌هایی از اشعار شاعران برجسته آن دوره را برای نمونه می‌آورد، اما از این روش برای تبیین عصر انحطاط استفاده نمی‌کند و تنها به همان مطالب نظری بسنده می‌کند که این مسئله نمی‌تواند ارزیابی جامعی باشد.

فصل پایانی کتاب با عنوان «عروض شعر عربی» نیز هم‌راستا با غرض و هدف کتاب نیامده است. همانطور که پیش‌تر گفته شد هدف کتاب نشان دادن سیر تحول شعر عربی است که قرار گرفتن فصلی با عنوان «عروض شعر عربی» در پایان کتاب نه انسجامی با دیگر مطالب برقرار می‌کند و نه در راستای مسئله اصلی کتاب می‌گنجد. مؤلف در ابتدای این فصل به ضرورت آن چنین اشاره می‌کند:

امروز برای التذاذ بیشتر از این میراث که هم مایه شهرت عرب است و هم مایه الهام بسیاری از شاعران فارسی‌زبان شده است و هم در برخی موارد سخت با فرهنگ و ادب ما درآمیخته است فراگیری اوزان این شعر بایسته و ضروری می‌نماید (عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۲۶۵).

مسئله فراگیری اوزان شعر عربی برای علاقه‌مندان و پژوهشگران این عرصه ضروری است اما این مطلب نمی‌تواند سبب شود تا هر آنچه فراگیری آن در حوزه شعر و ادب عربی ضروری است در قالب فصل‌هایی به کتاب افزوده شود. مسلماً در نگارش اثر علمی، تنظیم فصل‌ها و عنوان‌های داخلی آن باید در راستای مسئله و عنوان اصلی کتاب صورت بگیرد و در غیر این صورت نمی‌توان آن را در زمره یک کتاب علمی و چه‌بسا دانشگاهی مطرح کرد.

۴-۲-۴. کیفیت تحلیل داده‌ها

مسئله آثار علمی تنها به هدف آموزش برخی مفاهیم مربوط به یک حوزه تخصصی نگاشته نمی‌شوند، بلکه باید زمینه‌هایی برای اندیشیدن، تحلیل کردن، ارزیابی کردن و استنتاج کردن نیز فراهم شود. این مهارت‌ها در سنجش منطقی و نقادانه موضوعات گوناگون همچون شواهد و مدارک، مفهوم‌سازی، روش‌ها معیارها و زمینه‌ها به کار می‌رود (قاضی مرادی، ۱۳۹۱، ص. ۸۱).

بر این اساس شاید بتوان گفت مهم‌ترین ویژگی این کتاب رویکرد تفکر نقادانه آن است. در واقع می‌توان گفت اساس و بنیان کتاب بر این پایه شکل گرفته است. سیری که مؤلف در

تیین و ارائه مطالب انتخاب می‌کند توانایی اندیشیدن نقادانه را به خواننده القا می‌کند. این رویکرد در واقع به خوانندگان می‌فهماند که چگونه از طریق تفکر و دیگر فعالیت‌های ذهنی اطلاعات را فراگیرند و در نتیجه به فهم دقیقی از موضوعات دست پیدا کنند. البته گفتنی است این ویژگی در واقع متوجه آثار و اندیشه‌های ادوینس است که به‌خصوص در کتاب *الثابت و المتحول* او گرد آمده است، ولی در هر صورت نویسنده کتاب هم تلاش کرده است تا سبک اندیشه ادوینس را منتقل سازد. چنین مطالب، انتخاب برخی از عنوان‌های متن و فصل‌ها، و استدلال‌های نویسنده به‌گونه‌ای است که تا حدودی خواننده را به پذیرش این مبانی فکری سوق می‌دهد. در این کتاب بسیاری از موازین و اصولی که دانشجو پیش‌تر در درس‌هایی چون تاریخ ادبیات و متون با آن آشنا می‌شود به چالش کشیده می‌شود و درهم می‌شکند و نویسنده سعی می‌کند دانشجو را با اصول جدید زیباشناسی شعر آشنا سازد. همین امر تأثیر بسیاری در اتخاذ رویکرد انتقادی در ذهن دانشجو دارد که شاید بتوان آن را مهم‌ترین نقطه قوت کتاب دانست.

با وجود برخی نقاط قوتی که در موضوع برانگیختن تفکر انتقادی به آن اشاره شد می‌توان گفت روش پرداختن و تحلیل مطالب با ضعف زیادی روبه‌روست که بیشتر به مسئله کتاب، شیوه مواجهه علمی مؤلف با موضوع و میزان به‌کارگیری منابع معتبر و نحوه ارائه مطالب و در برخی موارد عدم تناسب میان حجم اطلاعات اصلی و جنبی باز می‌گردد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

نخستین ضعف در تحلیل مطالب کتاب به آنجا بر می‌گردد که مؤلف در پی تحلیل و کنکاش موضوع برنیامده است و تحول شعر عربی را از زوایای مختلف بررسی نکرده است. علی‌رغم اینکه این موضوع قابلیت آن را دارد که از ابعاد مختلف اجتماعی، فکری، فرهنگی و ادبی ارزیابی شود، اما اثری از قلم مؤلف در تحلیل محتوا وجود ندارد و می‌توان گفت وی در مباحث نظری تنها به ترجمه بخش‌هایی پراکنده از کتاب *الثابت و المتحول* بسنده کرده است. در حالی که مؤلف می‌توانست با اتخاذ رویکردی تبیینی و تحلیلی آرا و اندیشه‌های ادوینس را در سیر تحول شعر عربی مورد ارزیابی قرار دهد؛ برای مثال جای این سؤال مطرح است که آیا می‌توان گفت شعر عربی از جاهلی تا سقوط، سیری از پذیرش به پرسش داشته است یا اینکه یا اینکه هر دوره ادبی هم شاعرانی با رویکرد پذیرش محور و هم شاعرانی با رویکرد پرسش محور دارد؟ چنانچه نویسنده معتقد است گذر زمان تحول اساسی در روح

شعر عربی به وجود آورده است و او را از حصار تقلید و سنت‌ها رهانیده است و لازم است عوامل این تغییر و تحول همراه با ذکر نمونه به خوبی بررسی و تحلیل شوند یا اینکه می‌پندارد این موضوع ربطی به گذر زمان ندارد و هر دوره می‌تواند عوامل خاص خود را داشته باشد؛ همچنان‌که در دوران جاهلی شاعران بسیاری بودند چون صعالبیک که از پذیرش بسیاری از هنجارها سرباز زدند و این امر در زبان شعری آن‌ها نیز رسوخ کرد. بر این اساس ضروری است عوامل مؤثر در تغییر اصول زیباشناسی شعر در هر دوره جداگانه بررسی شوند؛ برای مثال چه‌بسا طبیعت، صحرا و زندگی قبیله‌ای، نوع نگاه به عشق و زن در آن دوران و دیگر موارد اجتماعی و فرهنگی بر نوع نگاه به شعر و تجربه شعری شاعر اثرگذار باشد؛ همانطور که ادونیس می‌آورد «هذا الوصف من الطبيعة يمكن وصفه بأنه «الحدیث» إذ يراها شيئاً أو موضوعاً على النقيض من القدماء» (ادونیس، ۲۰۱۰، ج. ۱ / ص. ۳۳). علاوه بر این، چنانچه نویسنده در صدد است مخاطب را با این سیر آشنا کند، لازم است مبانی این تغییر و تحول به درستی تبیین شوند. مسلماً بسیاری از این مبانی در شرایط فکری، فرهنگی و تمدنی ریشه دارد که ادونیس نیز به آن اشاره کرده است: «لم تعد حركة الشعر الحقيقية وسط الركام الكثير الموروث مرتبة بالسياسة و الأخلاق و العادات العامة الشائعة قدر ارتباطها بحركة التطور الحضاري» (همان، ص. ۴۳).

اشکال دیگری که به کتاب وارد است و در واقع می‌توان آن را متوجه دیوان الشعر العربی ساخت، این است که تقسیم‌بندی شاعران به دوره‌های پذیرش و پرسش به خوبی صورت نگرفته است. در این کتاب مؤلف شاعر عصر جاهلی و اسلامی را عصر پذیرش معرفی می‌کند، حال آنکه شاعران بسیاری بودند که در این دوره تسلیم سنت دینی نشدند و یا حتی اسلام هم نیاوردند؛ جدا از اینکه این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان این عنوان را برای تمام شاعران یک دوره مثل جاهلی یا اسلامی اطلاق کرد؟ مگر نه اینکه ادونیس از همین دوره جاهلی و اسلامی نمونه‌هایی از ابداع و خلاقیت شعری می‌آورد. همین مطلب در مورد دوره پرسش هم مطرح است. می‌توان گفت روحیه کشف و سیر و در اعماق وجود و هستی چیزی نیست که بتوان آن را منحصر به دوره خاصی مثل دوران عباسی دانست و همه شاعران آن روزگار را به ابداع و خلاقیت متصف دانست.

ادونیس در گزینش اشعار به شهرت نویسنده، محبوبیت او یا بسیاری از معیارها و ملاک‌های همیشگی و مألوف پای‌بند نیست؛ چه‌بسا به ذکر اشعار شاعرانی می‌پردازد که نامی از آن‌ها در تراجم الشعراء و غیره یافت نشود. کتاب سیری در شعر عربی با وجود اینکه در

پیش‌گفتار ذکر می‌کند که به اصل ادونیس در گزینش اشعار وفادار است، اما در این کتاب تنها اشعار شاعران شناخته‌شده و مشهور را از دیوان می‌آورد که با رویکرد ادونیس متفاوت است. از طرف دیگر او می‌توانست این اسلوب در جمع‌آوری ابیات را مورد نقد و ارزیابی قرار دهد و به این سؤال پاسخ دهد که آیا اسلوب ادونیس در انتخاب اشعار که آن را ذوقی و شخصی معرفی می‌کند می‌تواند مبنا و معیاری برای نقد اشعار قرار بگیرد. از جمله انتقاداتی که به این اسلوب وارد این است که چگونه می‌توان تجربه شخصی و درونی شاعر را خارج از ابعاد زمان و مکان در نظر گرفت و چنین کاری جز دور کردن ناقد از فضا و شرایطی که قدرت خلاقیت و ابداع را در شاعر زنده کرده است نتیجه دیگری ندارد؛ چه‌بسا که ادونیس نیز در برخی موارد به هنگام توضیح و تبیین اشعار جاهلی از روش خود کناره گرفته و برخی از ویژگی‌های شعری جاهلی را به شرایط صحرا و طبیعت و ... ارجاع می‌دهد (مروة، ۱۹۸۸، صص. ۲۷۰-۲۷۱؛ الصکر، ۱۹۹۴، ص. ۱۵۴).

از طرف دیگر لازم است نمونه اشعار مطابق با مطالب نظری و تئوری کتاب باشد تا خواننده را بهتر با روند تحول شعر عربی آشنا سازد؛ بدین صورت که نمونه‌های شعری جامد و ایستا از دوره پذیرش همراه با ابیاتی سرشار از خلاقیت و ابداع از دوره پرسش در کنار هم ذکر شود. شیوه گزینش اشعار به گونه‌ای است که گاهی دو بیت آورده شده است و گاهی قصایدی طولانی. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود آیا با این شیوه می‌توان به مجموعه‌ی جامعی از اشعار قدیم عرب دست یافت، آیا جزئی از شعر می‌تواند نماینده کل آن باشد آن هم در روزگاری که اساس شعر را وحدت بیت تشکیل می‌دهد یا به قول برخی از ناقدان معاصر، ادونیس با این شیوه گزینش تنها خوانش خود از شعر عربی را جمع کرده است (الصکر، ۱۹۹۴، ص. ۱۶۱).

در کنار ضرورت تحلیل بیشتر مطالب نظری لازم است اشعار منتخب نیز همراه با شرح و ترجمه یا توضیح لغات دشوار باشد یا اینکه این ابیات که از نظر ادونیس به لحاظ بُعد ابداعی و هنری متمایز از اشعار سایر شاعران است، مورد تحلیل زیبایی‌شناسی و تبیین ابعاد خلاقیت هنری قرار گیرند تا تمایز هنری آن‌ها برای خواننده نیز مکشوف شود. در غیر این صورت صرف گزینش اشعار از کتابی به کتاب دیگر چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد.

علاوه بر این، آنچه شالوده کار ادونیس در جمع‌آوری منتخب شعری دیوان الشعر العربی را تشکیل می‌دهد چالش میان نوگرایی و سنت (حدائث و تراث) است. از این رو، به دنبال

این است تا نشان دهد «شعر بما هو الشعر» زمان ندارد و نمی‌توان برای آن گذشته و حال در نظر گرفت. او معتقد است تجربه نوآوری و زبان مدرن و ابداعی عربی باید از خوانش جدید سنت آغاز شود تا مشروعیت پیدا کند. لذا بر آن است تا تجربه‌هایی از تغییر و تحول و گذشتن از هنجارها و اشکال از پیش تعیین شده را در شعر قدیم نیز نشان دهد و مشخص کند نوگرایی / الحداثة در شعر جدید دور از ذهن است و در سنت شعری هم ریشه دارد. این دغدغه اصلی که شالوده نگارش *دیوان الشعر العربی* ادونیس را شکل می‌دهد در کتاب منظور منعکس نشده است و به عبارت دیگر مؤلف نتوانسته است آن را به نمایش بگذارد، به خصوص که از اشعار مجلد چهارم دیوان یعنی «الشعر الحدیث» هم در کتاب منظور استفاده نشده است.

استفاده از منابع معتبر و موثق و داشتن ارجاعات مناسب از ویژگی‌های بارز نوشته‌های علمی است تا جایی که هر نوشته علمی هر چند اصیل و خلاقانه بر اساس اعتبار میزان و حجم ارجاعات داوری و سنجیده می‌شود (اسلامی، ۱۳۹۲، ص. ۵). بر این اساس است که می‌توان میزان اصالت و ابتکار هر اثر را دریافت. لذا در آثار علمی انتظار می‌رود تا با استناد به آرای دیگران و برقراری داد و ستد فکری به بحث و مناقشه درباره موضوعی پرداخته شود. کتاب سیری در شعر عربی از این منظر دارای ضعف جدی است. در واقع، می‌توان گفت نویسنده به تحلیل مطالب نمی‌پردازد و فقط به ترجمه بخش‌هایی از آثار ادونیس بسنده می‌کند و در ابتدای هر فصل به صورت پاورقی ذکر می‌کند که فصل مربوط از چه منبعی گرفته شده است؛ برای مثال در پاورقی فصل «جنبش‌های ادبی» چنین می‌آورد: «ر.ک: سنت و تجدد، کتاب اول، بخش دوم، اصول نوآوری، صص ۲۱۷-۲۵۷» (عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۳۹). البته این ضعف زمانی زمانی بیشتر مطرح می‌شود که کتاب مذکور با عنوان تألیف چاپ شده است، لذا تحلیل و بررسی مطالب و استفاده از منابع معتبر و مهم در این راستا را می‌طلبد. شاید اگر این کتاب با عنوان «ترجمه و تلخیص دیوان الشعر العربی» چاپ می‌شد به گونه‌ای دیگر مورد ارزیابی قرار می‌گرفت.

در هر اثر علمی باید میان حجم اطلاعات اصلی و اطلاعات جنبی تناسبی منطقی برقرار شود تا خواننده از درک پیام اصلی نویسنده باز نماند و از طرفی هم به گونه‌ای باشد که او را به تأمل وادارد (رضی، ۱۳۸۸، ص. ۲۳). گاهی مؤلف صفحات بسیاری از کتاب را به موضوعی اختصاص می‌دهد که چندان در راستای عنوان اصلی آن فصل نبوده

یا اینکه بیش از اندازه مورد توجه قرار گرفته است؛ برای نمونه وی حدوداً ۱۷ صفحه به سخن گفتن از عشق جمیل اختصاص و توضیح می‌دهد که نماد زن در اشعار او به نمادهای صوفیانه نزدیک می‌شود (عباسی، ۱۳۹۴، صص. ۴۳-۵۹). با توجه به اینکه بخش دوم، بارقه‌های نوآوری در فرم و محتوا و آغازین جنبش‌های ادبی را بیان می‌کند و تنها ۲۲ صفحه مطلب دارد می‌توان گفت سخن از جمیل بشینه و عشق او به درازا کشیده و تناسب منطقی میان حجم این فصل و مطالب آن با حجم این موضوع برقرار نشده است. حال آنکه یکی از ویژگی‌های هر محتوای مناسب، رعایت تعادل در ارائه مطالب است (ملکی، ۱۳۷۶، ص. ۱۸). خواننده با مطالعه این صفحات احساس می‌کند هیچ مبنایی برای بسط و اطالۀ موضوع عشق جمیل بشینه در این صفحات وجود ندارد و فقط بنا بر سلیقه و خواست مؤلف بحث به درازا کشیده شده است.

۴-۲-۵. دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی

از آنجایی که کتاب سیری در شعر عربی ارجاعات بسیاری به آثار نقدی ادونیس دارد، مقتضی است مؤلف در برگردان مطلب و انتخاب جملات شیوا دقت بسیاری داشته باشد. البته ناگفته نماند متن کتاب از این منظر بسیار شیوا و روان است، اما در برخی موارد ابهاماتی در متن وجود دارد که توجه بیشتر نویسنده در این امر را می‌طلبد؛ از جمله این نمونه‌ها می‌توان به کلماتی چون «سابق بودن» در جمله «شعر را با توجه به سابق بودن و فردیتش ارزیابی می‌کند» (عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۲۵)؛ «امرؤالقیس سرآمد همه شاعران است در جودت و از همه پیش-روتتر» (همان، ص. ۴۰)؛ «در روایاتی آمده که جمیل متنگروار در کسوت درویشی مکاتب نزد بشینه حاضر می‌شد» (همان، ص. ۵۳)؛ «از این وضع وجودی احساسی جوشید که می‌توان آن را «روزگار حسّی» نامید» (همان، ص. ۱۱۰). اشاره کرد. تعبیر «روزگار حسّی» برای خواننده چندان مانوس و آشنا نیست. در چنین مواردی بهتر است در انتخاب معادل فارسی بازنگری شود یا اینکه نویسنده معادل عربی این اصطلاح را در پاورقی یا پی‌نوشت ذکر کند. نمونه‌ای دیگر: «احساس تآلف با هستی» (همان، ص. ۷۹). در این مورد نیز لازم است معادل مناسب فارسی انتخاب شود.

از موارد قوت کتاب آوردن ترجمه آیاتی است که برای نمونه و شاهد مثال در اثنای متن آورده شده‌اند و به‌طور کلی می‌توان گفت نویسنده توانسته است ترجمه صحیحی از اشعار

در اختیار خوانندگان قرار دهد و زمینه فهم بهتر مطالب را فراهم سازد، اما در این میان لازم است ترجمه برخی ابیات بازنگری شود. برای مثال: در ترجمه بیت «حلفت فلم أترك لنفسك ريباً/ و ليس وراء الله للمراء مذهب» (همان، ص. ۲۳) آمده است: «سوگند خوردم که برای تو هیچ شک و تردیدی باقی نگذارم و مرد را وراى خدا هیچ مذهبی نیست» (همان، ص. ۳۵). این ترجمه ضعف‌هایی دارد؛ اولاً، جمله «فلم أترك لنفسك ريباً» نباید این گونه ترجمه شود، بلکه نقش نتیجه را بازی کند بدین صورت که «من به واسطه قسمی که خوردم برای تو جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نگذاشتم». ثانیاً، ترجمه «المراء» به «مرد» نیز ضعیف است و در اینجا منظور جنسیت نیست، بلکه شاعر می‌خواهد بگوید برای هیچ انسانی شایسته نیست تا مسلکی غیر خدا داشته باشد. از آنجایی که بعضی مخاطبان این کتاب را دانشجویان رشته ادبیات فارسی خواهند بود بهتر است در کنار ذکر ارجاع ترجمه اشعار یا توضیح لغات دشوار آن نیز در پاورقی یا پی‌نوشت ذکر شود. این امر بر جامعیت کتاب و افزایش بُعد آموزشی آن می‌افزاید.

۴-۲-۶. روزآمدی و جامعیت

یکی از ویژگی‌های مهم هر اثر علمی روزآمدی آن است. روزآمدی در هر حوزه مطالعاتی تعریف خاص خود را دارد. از این رو، شاید نتوان معیارها و ضوابط خاصی برای آن تعریف کرد (منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۹). همانطور که پیش‌تر گفته شد کتاب حاضر در صدد است منتخبی از اشعار دیوان الشعر العربی ادونیس را که در سال ۱۹۶۴ برای اولین بار به چاپ رسیده است برای خوانندگان فارسی‌زبان ارائه دهد. باید به این نکته توجه داشت که نقد و به‌چالش کشیدن برخی اصول کهن و متعارف، خود سبب نوآوری و نگرشی نوین و جدید به میراث کهن و ارزشمند ادبیات خواهد شد. از این رو، هر چند محتوای کتاب مربوط به اشعار قدیم است و چاپ اول آن حدوداً به نیم قرن پیش برمی‌گردد، اما از آنجا که کتاب مذکور با نگاهی جدید اصول و معیارهای زیبایی‌شناسی شعر عربی قدیم را پردازش می‌کند تا به واسطه آن چالش سنت و نوگرایی را حل کند، می‌توان گفت این زاویه نگاه در بررسی اشعار قدیم عرب در نوع خود کم‌نظیر است و باب تازه‌ای را به روی علاقه‌مندان به ادبیات می‌گشاید.

سخن در جامعیت کتاب و تعیین اثری جامع امری بس دشوار است، زیرا لازم است بسیاری از حوزه‌های مرتبط با خود را پوشش دهد، اما می‌توان نسبت به مسئله کتاب و هدفی که دنبال می‌کند جامعیت آن را نیز بررسی کند (رضی، ۱۳۸۸، ص. ۲۲). می‌توان کتاب سیری در شعر عربی با توجه به مسئله اصلی آن یعنی نشان دادن سیر تحول شعر عربی که در پیش‌گفتار کتاب به آن اشاره شده است، جامعیت لازم از منظر کمی و کیفی را ندارد. هر چند تلاش کرده است تا عمده مطالب را در دو بخش تئوری و نمونه اشعار ذکر کند و بدین وسیله مجموعه نسبتاً جامعی گرد آورد، اما همچنان ضعف‌های بسیاری در هر دو زمینه مباحث نظری و نمونه اشعار دارد که پیش‌تر به آن پرداخته شد. از جمله اشکال‌های بارز کتاب در این زمینه می‌توان به نپرداختن به ادبیات اندلس و بارزترین نمونه‌های تجدد و نوآوری در آن چون «زجل»، «موشحات»، «کان و کان» و «قوما» و .. اشاره کرد. این در حالی است که بسیاری از ناقدان معاصر ریشه نوگرایی و تجدد شعر عربی را به نوآوری‌های سابق در زبان شعر از جمله موشحات نسبت می‌دهند. همچنان‌که ضعف در تحلیل عوامل و اسباب تغییر و تحول شعر عربی، عدم بررسی زیباشناختی اشعار و تبیین ابعاد ابداعی و هنری آن‌ها، نپرداختن به شرح و ترجمه واژگان دشوار ابیات همگی از مواردی است که مانع از آن می‌شود تا کتاب سیری در شعر عربی را اثری جامع در بررسی تحول شعر عربی از آغاز تا دوران سقوط دانست.

۵. نتیجه

با ارزیابی شکلی و ظاهری کتاب سیری در شعر عربی موارد قوت زیر قابل ملاحظه است: - اعراب‌گذاری، ذکر اوزان عروضی هر کدام از اشعار، ذکر مطلع اشعار و معرفی شاعران در پاورقی از جمله موارد قوت کتاب بوده که زمینه فراگیری بهتر آن را برای دانشجویان فراهم ساخته است. همچنان‌که متن کتاب روان و سلیس است و انتخاب معادل‌ها و اصطلاحات غالباً به درستی صورت گرفته است. از دیگر موارد قوت کتاب آوردن ترجمه ابیاتی است که برای نمونه و شاهد مثال آورده شده‌اند.

از نظر شکلی و ظاهری موارد ضعف کتاب بدین شرح‌اند:

- ضعف بسیار جدی در چینش صحیح اشعار عربی که لازم است مورد بازبینی قرار گیرد.

- عدم به‌کارگیری رسم‌الخط عربی در نگارش اشعار، عدم به‌کارگیری معادل‌های فارسی مستعمل و مانوس که زیرمجموعه رعایت نکته‌های ویرایشی - نگارشی که لازم است در چاپ‌های بعدی اصلاح شوند.

از نظر محتوایی کتاب مذکور ضعف‌ها و کاستی‌هایی دارد، از جمله:

- عدم دقت در انتخاب عنوان متناسب با محتوا.

- عدم فصل‌بندی دقیق متناسب با هدف کتاب؛ به گونه‌ای که دو فصل آخر کتاب یعنی فصل «مؤخره» و «عروض شعر عربی» در چارچوب تحلیلی تعریف‌شده برای مطالب کتاب نمی‌گنجد. فصل آخر کتاب با عنوان «عروض شعر عربی» را می‌توان به راحتی حذف کرد بدون آنکه هیچ خللی و ضعفی در ارائه مقصود و غرض کتاب حاصل شود. کتاب مسئله جدیدی ندارد. پرداختن به شعر قدیم عربی کاری است که ادونیس با چاپ *دیوان الشعر العربی* در حدود نیم‌قرن پیش آن را به انجام رسانیده است و می‌توان گفت مخاطب در این کتاب نه در بخش نظری و نه در تحلیل اشعار با مسئله جدیدی روبه‌رو نخواهد شد.

- روش پرداختن و تحلیل مطالب ضعف‌های زیادی دارد که بیشتر به مسئله کتاب، شیوه مواجهه علمی مؤلف با موضوع و میزان به‌کارگیری منابع معتبر و نحوه ارائه مطالب و در برخی موارد عدم تناسب میان حجم اطلاعات اصلی و جنبی باز می‌گردد. - عدم پرداختن به شرح واژگان دشوار ابیات یا ترجمه آن‌ها و عدم جامعیت مطالب کتاب از دیگر موارد ضعف آن در ارزیابی محتوایی است.

منابع

- آدونیس (۲۰۱۰). *دیوان الشعر العربی*. بیروت: دارالساقی.
- اسماعیل، ع. (بی‌تا). *المصادر الأدبیه و اللغویة فی التراث العربی*. بیروت: دارالنهضة العربیة للطباعة والنشر.
- اسلامی، س.ح. (۱۳۹۲). چرا و چگونه ارجاع دهیم؟ آینه پژوهش، ۱، ۵-۱۴.
- افشار مهاجر، ک. (۱۳۹۵). پایه و اصول صفحه‌آرایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- تقی‌الدین، س. (۱۹۹۵). *أصول البحث الأدبی و مناهجه*. القاهرة: دارنهضة مصر للطبع والنشر.
- رضایی، غ.ع.، و محمودی، ا. (۱۳۸۹). بررسی تطور ساختاری دو قصیده جاهلی و اسلامی از حسان بن ثابت با نظریه مکتب ساختارگرایی. پژوهش‌نامه نقد ادب عربی، ۱، ۴۵-۶۸.
- رضی، ا. (۱۳۹۱). پژوهش‌های مسئله‌محور در مطالعات ادبی. فنون ادبی، ۱، ۱۳-۲۶.

نقد و ارزیابی کتاب سیری در شعر عربی از روزگار جاهلی تا سقوط بغداد ۷۳

- رضی، ا. (۱۳۸۸). شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های دانشگاهی. سخن سمت، ۲۱، ۲۱-۳۰.
- الصرکر، ح. (۱۹۹۴). *کتابه الذات دراسات فی وقائعه الشعر. الأردن: دارالشروق.*
- عباسی، ح. ا. (۱۳۹۴). *سیری در شعر عربی از روزگار جاهلی تا سقوط بغداد.* تهران: سخن.
- فرامرز قراملکی، ا. (۱۳۸۳). *اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی.* قم: حوزه علمی قم.
- فرامرز قراملکی، ا. (۱۳۸۵). *روش‌شناسی مطالعات دینی.* مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کاردان، ع. م. (۱۳۸۲). *نقش کتاب دانشگاهی و ویژگی‌های آن.* سخن سمت، ۱۰، صص ۱۳-۲۰.
- مروءه، ح. (۱۹۸۸). *دراسات نقدية فی ضوء المنهج الواقعي.* بیروت: مکتبه المعارف.
- ملکی، ح. (۱۳۷۶). *برنامه‌ریزی درسی، راهنمای عمل.* تهران: اندیشه.
- مشکین‌فام، ب. (۱۳۹۱). *البحث الأدبی مناهجه و مصادره.* تهران: سمت.
- منصوریان، ی. (۱۳۹۲). *صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثر بخش.* پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۹، ۱-۱۷.
- الورقی، س. (۲۰۰۰). *فی مصادر التراث العربی. الإسکندریة: دارالمعرفة الجامعية.*

